



▪ **هفته‌نامه افق حوزه** ▪ دوشنبه ۱ دی ۱۴۰۴ ▪ ۱ رجب المرجب ۱۴۴۷ ▪ شماره پنجم

آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی رحمۃ‌الله‌علیه، مرجعی بصیر، انقلابی و مدافع راسخ و قاطع حریم ولایت بودند. ایشان با زهد و ساده‌زیستی، الگوی زندگی مهدوی را به نمایش گذاشتند. زندگی‌شان عرصه مبارزه‌ای مستمر و استکبارستیز بودند. این فقیه عالی‌مقام، همواره حامی مردم، پشتیبان عاشقانه مدافعان نظام، و یاور جبهه مقاومت و ملت‌های مظلوم فلسطین و لبنان بودند. ایشان در کنار این نقش‌های اجتماعی، مدرس و نویسنده‌ای بسیار تأثیرگذار در حوزه علمیه به شمار می‌رفتند.

آیت‌الله‌العظمی صافی گلپایگانی رحمۃ‌الله‌علیه

سیاست، وظیفه ذاتی روحانیت است

از روزی که استعمار وارد سرزمین‌های اسلامی شد، برای اینکه نفوذ اسلام را از میان سلطه خود را پابرجا نماید و توجه مردم را از نیروی معنوی اسلام، مکتب جهاد و مبارزه منصرف سازد تا از یک سلسله برنامه‌های به‌اصطلاح غیرسیاسی پا بیرون برداشته و نگذارند و وسیله‌ای برای تعقیب و جلوگیری از مداخلات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی آنها داشته باشد، «تزوچانیت از سیاست جداست را عنوان کرده و چنان آن را تبلیغ نمود که بسیاری از ساده‌لوحان و غرب‌زدگان آن را پذیرفته و ندانستند که این نغمه شوم از کجا و برای چیست؟ نمی‌دانستند این نغمه، فلسفه‌های سیاسی و اقتصادی دارد و موجب تسلط اقتصادی و سیاسی استعمار می‌گردد.

رهنمودهای عارفانه آیت بزرگ عرفان و ادب

به آیت‌الله‌العظمی صافی گلپایگانی رحمۃ‌الله‌علیه



در میان آثار اخلاقی برجای‌مانده از استاد بزرگ سیر و سلوک، آیت‌الله سید جمال‌الدین گلپایگانی رحمۃ‌الله‌علیه، یکی از نامه‌هایی که رنگ و بوی خاص معنوی دارد، نامه‌ای است خطاب به شاگرد گران‌قدرش، فقیه وارسته، آیت‌الله‌العظمی حاج شیخ لطف‌الله صافی گلپایگانی رحمۃ‌الله‌علیه. این نوشته، تنها یک نامه آموزشی نیست؛ بلکه بیانی سرشار از محبت، خیرخواهی و یادآوری وظیفه الهی عالم دینی است. استاد در این نامه با لحنی آرام و پدرانه، شاگرد خویش را به صفای نفس، مراقبت از نیت در مسیر علم و پیوند همیشگی بین دانایی و بندگی فرا می‌خواند. او توصیه می‌کند که علم بدون تقوا سامان نمی‌گیرد و تقوا بدون خدمت به خلق ناقص می‌ماند.

چنان است که هر جمله از این نامه، نسیمی از زهد و بینش عرفانی را در جان خواننده می‌وزاند و از رابطه‌ای سخن می‌گوید که بر پایه اخلاص، ارادت و پیوند معنوی استاد و شاگرد بنا شده است؛ پیوندی که بعدها در تمام مسیر علمی و فقهی آیت‌الله صافی گلپایگانی، جلوه‌ای ماندگار یافت.

بسم الله الرحمن الرحيم
جناب مستطاب علم الاعلام عماد الافاضل العظام
ونخبه العلماء الفخام ثقه الاسلام المؤيد المسدد آقای آقا لطف‌الله صافی گلپایگانی ^(دامت توفیقاته). به عرض می‌رساند، ان‌شاءالله تعالی وجود محترم از جمیع مکاره، مصون و محروس است ولا زال در استکمال قوه علمیه و عملیه و جدّ و جهد در تحصیل علم و تهذیب اخلاق و ترویج شرع، مؤید و منصورند.

ضمناً مرقومه محترمه زیارت شد. ممنون مراحم و

متشکر الطاف قرةالعين معظم بوده و هستم. از حالم خواسته باشید، این حیاة مستعار باقی و بی‌حالی و ضعف مزاج از جهت پیری و عارضه در ماه مبارک مرا از کار باز داشته؛ أسئله الله العفو والعافیه وحسن العاقبه. عزیزا، این حال جوانی را مغتنم بشمار و از بذل جهد در تحصیل علم کوتاهی نکن و تقوی که ترک معاصی باشد، کمال اهتمام را به او داشته باش که اصل و اساس بلوغ به هر سعادتی است؛ یعنی بدانید که بدون ملکه تقوی امکان ندارد، حصول حقیقت علم که «نور یقذفه الله فی قلب من یشاء» سواء کان متعلقاً بالاعتقاد أو بالعمل. تقوی، قلب را پاک می‌کند از همه ارجاس و تهذیب می‌کند نفس را از مهلکات خبیثه و تصفیه می‌کند از کدورات و پرده‌هایی که مانع از ادراک حقائق است و جلا می‌دهد، به نور قلب و کم‌کم انسان به نظر در آثار و آفاق و انفس، آیات الهی و دلائل ربوبی مکتونه در آنها را مشاهده می‌کند و بر اثر نظر در آفاق و انفس و تفکر در آنها را درک می‌کند: «إن فی خلق السموات والأرض...» «وسنریهم آیاتنا فی الافاق وفی انفسهم...».

امتد است که خداوند، یقین صادقی و ایمان کاملی موهبت فرماید که از الایش و آلام و اسقام این عالم طبیعی منتزع شود.

جان جناب‌عالی را دوست می‌دارم و قابل دیدم؛ لذا زیاد مصدع شدم. در تحصیل اهتمام کن. وقت را غنیمت بدان که از کف می‌رود و دیگر به دست نمی‌آید. عالم بعد که به‌اصطلاح عالم برزخ است که عالم حسرت و مذمت است از مهملین و معطلین و عالم فوز به نتایج اعمال حسنه از برای عاملین و اولیای خدا. دیگر حال ندارم. باقی طلب شما؛ أسئله الله أن یوفقنا لتحصیل مرضیه خالصاً لوجهه الکریم؛ بحق محمد وآله والسلام علیکم ورحمة‌الله وبرکاته.

سلام مخصوص به حضرت حجةالاسلام آقای حاج سید محمدرضا، رکن‌الاسلام، آقای حاج میرزامهدی ^(دامت برکاته) می‌رسانم و التماس دعا از همه دارم. باقی حجج و ارکان‌الاسلام از آقایانی که اظهار لطف فرمایند به حقیر، سلام به آنها و التماس دعای مخصوص از آنها در عهده حضرت‌عالی است.

والسلام علیکم ورحمة‌الله وبرکاته
الأحقر جمال‌الدین گلپایگانی/ ۵ محرم‌الحرام ۱۳۶۵

فریاد «روحانیت از سیاست و دین از دنیا جداست، با مبانی و احکام اسلام که حتی امور عبادی‌اش نیز با سیاست پیوند دارد و از سیاست جدا نیست و برنامه‌هایش همه با هم ارتباط دارد و نظام امر به معروف و نهی از منکر را با آن شدت و تأکید پیشنهاد کرده و «أفضل الجهاد کلمة عدل عند امام جائر» را گفته است، به هیچ‌وجه سازگار نیست. اسلام دین دنیاست؛ همان‌طور که دین آخرت است و اصلاً دنیا را از آخرت جدا نکرده است. بیشتر احکام اسلام مربوط به امور سیاسی، قضایی، مالی و روابط مردم با حکومت با دولت و عمران زمین و شامل تمام نواحی روحی، جسمی فردی و اجتماعی بشر است. مداخله‌نکردن در سیاست و حسن اجرای امور جامعه مسلمان، البته در صورت

رهنمودهای آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی رحمۃ‌الله‌علیه به طلاب علوم دینی

آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی، در پاسخ به درخواست جمعی از طلاب و فضلای حوزه علمیه، در توصیه‌های خود به آنان تصریح کردند: «طلاب و مدرسین در سیر دانشوری و تحصیل علوم دینی، قرآن مجید و احادیث شریفه (کتاب و سنت) را همچون دو بالی بدانند که وسیله پرواز و عروج آنان به سوی معارج علم و معرفت است.» متن درخواست طلاب و پاسخ معظم له بدین شرح است:

بسمه تعالی
محضر مبارک مرجع عالیقدر حضرت آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی مدظله الشریف
سلام علیکم؛

ما جمعی از طلاب حوزه‌های علمیه هستیم که در آستانه سال تحصیلی جدید حوزه‌های علمیه از آن مرجع العلیقدر تقاضا داریم تا ما را راهنمایی و ارشاد فرمایید که بتوانیم با استفاده از رهنمودهای حضرت‌تعالی، سربازی خوب برای آقا و مولایمان حضرت ولی عصر عجل‌الله‌تعالیه باشیم.

باتشکر واحترام

بسم الله الرحمن الرحيم
علیکم السلام ورحمة الله
حقیر اولاً به همه حضرات مدرسین محترم و طلاب عزیز که به شَرَف افتخار تعلیم و تعلّم مشرفند، و عمر گرانمایه خود را مصروف تحصیل، درس و کسب معارف قرآنی و علوم و معارف اهل بیت علیهم‌السلام – این معلمان حقیقی– می‌نمایند، تبریک عرض می‌کنم و از خداوند متعال برای همگان توفیق بیشتر و نیل به مقامات و درجات عالیه را مسألت می‌نمایم. امید آن که در ظل توجهات حضرت صاحب الامر ارواح العالمین له الفداء قلّه‌های بلند علم و معرفت را فتح نمایند و در فقه احکام و مسائل حلال و حرام و شناخت علوم قرآن، نخبگان و مفاخر زمان شوند.

نکته اول: دو بال علم و معرفت

اولین نکته‌ای که خود و طلاب عزیز و مدرسین عالی‌مقام را به آن توصیه می‌نمایم این است که در سیر دانشوری و دانشجویی، دو بال کتاب و سنت؛ قرآن مجید و احادیث شریفه را وسیله پرواز و عروج به معارج علم و معرفت بدانند و الهام از کتاب خدا و هدایت‌های اهل بیت علیهم‌السلام را در خودسازی و معرفت‌افزایی و تکمیل بصیرت دینی، مصدر همه بینش‌ها و کمالات علمی و عملی بدانیم و این جمله بزرگ «شَرَفًا وَ غَرَبًا فَلَا تَجْدَانِ عِلْمًا صَاحِبِحَا إِلَّا شَيْنًا خَرَجَ مِنْ عِدْنِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ»^۱ را همواره جلوی چشم خود داشته باشیم و در فرهنگ دین و عقیده، استقلال اسلامی و مذهبی را که اصل و اساس است حفظ نماییم.

نکته دوم: سنگر استقلال عالم دین

نکته دوم که باید طلبه این علوم و شاگرد این مکتب وحیانی به آن آراسته باشد، خود نگهداری در برابر دنیا، جلوه‌های مادی و شهوات حیوانی و مقامات و مناصب ظاهری است که هرچه یک عالم دینی به آن بیشتر متقّد باشد، توفیقش، شجاعتش در امر به معروف و نهی از منکر و حفظ شئون دینی بیشتر خواهد شد.

طمع به این زخارف دنیا، انسان را ذلیل و از استقلال ساقط می‌نماید. علاقه به ریاست و برتری جویی هم، انسان را ضعیف و خودباخته می‌نماید حتی به مقامات دینی نیز نظر استقلالی داشتن، مذموم است. فرموده‌ای از این تأکید بالاتر نیست که «مَلْعُونٌ مَنْ تَرَأَسَ، مَلْعُونٌ مَنْ هَمَّ بِهَا، مَلْعُونٌ مَنْ حَدَّثَ بِهَا نَفْسُهُ»^۲

نکته سوم: خلوص نیت؛ وجهه همت عالم در جهل زدایی و بسط علم

سومین نکته اینکه در درس، تدریس، بحث و تحقیق، خلوص نیت و خدمت به بسط علم و دفع جهل از خود و دیگران را

توانستن جرم است. هیچ مسلمانی نمی‌تواند به امور مسلمانان، خصوصاً امور سیاسی آنها بی‌اعتنا باشد. «من أصبح ولا یهتم بأمور المسلمین فلیس بمسلم»

اسلام، دین سیاست، عبادت، قانون، زندگی، عمران و همه‌چیز است و این سخن که دین از سیاست یا روحانیت از سیاست جداست، اگر با مزاج ادیانی مانند مسیحیتی که فعلاً مسیحی‌ها پذیرفته‌اند سازگار باشد، با اصول اسلام و نصوص قرآن مجید، مخالف است. بلی! اگر غرض از سیاست، حیله، تزویر و خیانت باشد، آن به‌طور قطع زذبله‌ای است که هر مسلمان باید از آن پرهیز کند.

ادامه در صفحه ۲ ویژه‌نامه

وجهه همت قرار دهند و بدانند که بزرگترین خدمت به بندگان خدا و بالاترین سعی، در افزایش بینش و معرفت بندگان خدا به خدا و جهل زدایی می‌باشد.

حفظ یک آیه از قرآن و آشنایی به مضمون آن، یک جمله از مثل نهج البلاغه و منابع وسیع علمی و موارث فکری و تربیتی – که بحمدالله در اختیار ما است– فضیلتی بس بزرگ می‌باشد که قیمت حقیقی اشخاص به مقدار بهره‌ای است که از این فضیلت دارد. قرآن کریم و حدیث در رشته‌های مختلف کمالات انسانی در نهایت ایجاز، جامع‌ترین دستورات را در اختیار بشر قرار داده است. از شخص حضرت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم علاوه بر قرآن کریم که کلام الهی است، هزاران کلمات علم و حکمت روایت شده است و بحمدالله در فرهنگ و علم و معرفت غنی‌ترین و بهترین مکتب‌ها و تعلیمات را در اختیار داریم.

نکته چهارم: نرمی و ادب در هدایت

نکته چهارم این است که در مقام هدایت مردم و دعوت آنها به خدا و عمل به احکام، باید از کمال حسن خلق، نرمی، خوش‌برخوردی و ادب استفاده نمود که خداوند به پیامبر اکرم می‌فرماید: «فَیْمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لَئِنْ لَهِمْ وَ لَوْ كُنْتُ فَظًّا غَلِیظًا لَلْقَلْبُ لَأَنفَضُوا مِنْ حَوْلِی»^۳ یک روحانی باید همیشه با مردم بوده و ملجأ و پناهگاه آنان در مشکلات دینی، اجتماعی و فکری مردم باشد و همیشه و در همه حال، خودش به یاد حضرت بقیة الله الاعظم ارواح العالمین له الفدا بوده و مردم را نیز به آن امام عزیز و مهربان دعوت نماید. انشاء الله همیشه موفق باشید.

لطف الله صافی/شوال المکرم ۱۴۳۳

• پی‌نوشت‌ها

- کافی؛ ج۱، ص۳۹۹، حدیث ۳.
- کافی؛ ج۳، باب ۱۱۷، حدیث ۲۵۰۸.
- سوره آل عمران، آیه ۱۵۹.